

اثر هدفمندسازی یارانه‌ها بر ترکیب هزینه‌ای خانوارها در ایران

کیومرث سهیلی^۱

مرتضی سبحان خدامرادی^۲

محمد رضا منیری^۳

یونس گلی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۷

چکیده

عدم کارایی و ناعادلانه بودن نظام پرداخت یارانه‌ها در کشور در طی سال‌های متمادی، موجب گردید دولت از سال ۱۳۸۹، قانون هدفمندسازی یارانه‌ها را عملیاتی نماید، که در طی آن سهم خانوارهای فقیر از یارانه دولت افزایش یابد. مطالعه حاضر با استفاده از داده‌های در سطح خرد خانوار در دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ و تکنیک رگرسیون‌های به ظاهر نامرتب از طریق روش FGLS به بررسی اثر هدفمندی یارانه‌ها بر ترکیب مصرفی خانوار پرداخته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که در طول دوره مطالعه، سهم مخارج ضروری‌تر در سبد مصرفی خانوارها افزایش، و بنابراین براساس تئوری انگل، رفاه خانوارها کاهش یافته، همچنین متغیر مجازی یارانه و متغیر یارانه ماهانه دریافتی در میان همه گروه‌های کالایی، بیشترین اثرگذاری را بر روی سهم گروه خوراک و غذای خانوارها از کل مخارج آنان داشته، و یکی از دلایل کاهش رفاه خانوارها، افزایش بیشتر قیمت‌های نسبی نسبت به افزایش درآمد ناشی از یارانه‌ها بوده، از آنجا که بر اساس مطالعه حاضر، در بین تمامی عوامل تأثیرگذار بر روی رفتار مصرفی خانوارها در تخصیص بودجه میان گروه‌های کالایی، عامل درآمد دائمی بیشترین اثرگذاری را داشته، لذا هدف اصلی سیاستگذار می‌باید به جای افزایش اسمی یارانه نقدی از طریق سیاست‌های تورم‌زا، بر روی افزایش سطح واقعی درآمد دائمی خانوارها معطوف گردد.

واژگان کلیدی: رفتار مصرفی خانوار، نظریه انگل، سیستم معادلات به ظاهر نامرتب، حداقل مربعات

تعمیم یافته عملی

طبقه بندی JEL: D11, D12, D04

1. ksohaili@razi.ac.ir

2. murteza.khodamoradi@gmail.com

3. moniri.mohamadreza@yahoo.com

4. younes.goli67@gmail.com

۱. دانشیار اقتصاد دانشگاه رازی

۲. استادیار اقتصاد دانشگاه رازی

۳. کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)

۴. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه رازی

۱. مقدمه

در طراحی برنامه‌های توسعه کشورها، از آنجا که بهبود در وضعیت معیشتی همه اقشار جامعه به صورت عام و اقشار کم درآمد به طور خاص، یکی از اولویت‌های اساسی دولت‌ها است، بنابراین اتخاذ یک مکانیزم حمایتی مناسب، همواره مدنظر دولت‌ها قرار داشته است. با توجه به این امر که در کشور ما، دولت‌ها، دولت‌های نفتی بوده‌اند، لذا همواره مبالغ بسیار قابل توجهی از منابع عمومی به ساده‌ترین و در عین حال پرهزینه‌ترین شیوه حمایتی ممکن، در قالب یارانه‌های غیر مستقیم پرداخت گردیده است. با توجه به نواقص بسیار زیاد این شیوه پرداخت یارانه، از قبیل ناعادلانه بودن، تحریف بازار و ناکارایی، فشار فزاینده بر بودجه عمومی دولت و در نتیجه، تحمیل تورم به اقتصاد داخلی، این مقاله در جهت واکاوی این موضوع مهم تدوین شده است.

یکی از سیاست‌های کلان اصلاح ساختار اقتصادی کشور که از آذر ۱۳۸۹ به اجرا درآمد، قانون هدفمندسازی یارانه‌ها بوده است. پس از اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها و افزایش قیمت بسیاری از گروه‌های کالایی مصرفی خانوارها، دولت جهت جبران رفاه از دست رفته مردم و حتی بهبود وضعیت معیشتی آنان، تصمیم به پرداخت یارانه نقدی یکسان به همه اقشار جامعه نمود.

مطالعه حاضر این هدف را دنبال می‌نماید که با تفکیک گروه‌های کالایی مصرفی خانوارها به هشت بخش عمده و بررسی تغییرات رفتار مصرفی خانوارها در تخصیص منابع بودجه‌ای‌شان بین این گروه‌ها، به ملاکی درباره اثر اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها بر وضعیت معیشتی خانوارها دست پیدا کند. لازم به تذکر است که یکی از ابزارها و ملاک‌های اصلی در این قضاوت، کیفیت سنجی کالاهای مصرفی خانوارها از لحاظ کشش درآمدی تقاضا، پس از اجرای این قانون است.

۱-۱. تعریف هدفمندسازی یارانه

در حیطه سیاست‌های فقرزدایی، بهترین راه حلی که اغلب مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، شناسایی اقشار فقیر جامعه و سپس هدایت منافع حاصله از برنامه هدفمندسازی به سمت این قشر می‌باشد. بر این اساس، هدفمندی به تعیین کسانی که واجد شرایط دریافت برنامه‌ها یا کمک‌های اجتماعی^۱ هستند یا نیستند، اطلاق می‌گردد. هدفمندی بر این ایده استوار است که بعضی از گروه‌ها باید برای دریافت برنامه‌های اجتماعی از سایر گروه‌ها جدا شوند. مبحث هدفمندی، بحث قدیمی است که مورد توافق اقتصاددانان و سیاستمداران کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته می‌باشد. منتقدان هدفمندی اصولاً بر هزینه‌بر بودن شناسایی خانوارهای فقیر و اثرات آن بر انگیزه‌هایی که ممکن است در برنامه‌هایی که برای هدفمندی از آزمون درآمدی استفاده می‌کنند، تأکید دارند. در نقطه مقابل،

برای جلوگیری از افزایش هزینه‌های دولت و از سوی دیگر، حمایت از خانوارهای بی‌بضاعت، هدفمندی یارانه‌ها را توجیه می‌کنند (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۴: ۱۰).

هدفمندی در حوزه سیاست‌های تأمین اجتماعی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، به معنای کاهش سهم طبقات بالای درآمدی و افزایش سهم طبقات پایین درآمدی از حمایت‌ها می‌باشد. در چنین شرایطی، علاوه بر حصول اطمینان نسبی از تحت پوشش قرار گرفتن اقشار آسیب‌پذیر، توزیع درآمد نیز بهبود می‌یابد.

۲-۱. اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در ایران

با اجرای مرحله اول از قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، افزایش قابل ملاحظه‌ای در قیمت حامل‌های انرژی رخ داد و دولت خود را متعهد به پرداخت یارانه‌های نقدی دانست که بیش از درآمدهای حاصل از اجرای این قانون بود. متعاقب اجرای این قانون و تشدید تحریم‌های اقتصادی، نرخ ارز آزاد، نوسانات بی‌سابقه‌ای را تجربه کرد و به شدت افزایش یافت. با توجه به اینکه در قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، قیمت‌های دلاری مبنای تعیین قیمت‌های داخلی حامل‌های انرژی بود، مجدداً بر شکاف قیمت‌های داخلی و خارجی، طی زمان افزوده شد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳: ۱).

بنابراین مهمترین نکته‌ای که از همان ابتدای اجرای این قانون، موضوع هدفمند کردن یارانه‌ها را به چالش کشید، مساله کسری منابع و مصارف اجرای این سیاست، علی‌رغم الزام قانون بوده است؛ به نحوی که علاوه بر ایجاد انحراف در مسیر اصلی، دولت را در تأمین کسری به وجود آمده با مشکل مواجه کرد، که اثرات تورمی تأمین کسری پدید آمده، سبب شد که بهبود در وضعیت توزیعی خانوارها که از اهداف اصلی این قانون بود، با چالش جدی مواجه گردد.

در دو سال اول اجرای قانون هدفمندسازی به رغم عدم تکافوی منابع هدفمندی از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی، با وفور عواید نفتی، ظاهراً مشکلی در تأمین منابع اجرای قانون وجود نداشت، اما از سال ۱۳۹۱ به بعد با تشدید تحریم‌های بین‌المللی و کاهش محسوس عواید نفتی، تأمین نقدینگی مورد نیاز اجرای قانون با مشکل مواجه شد. طی دو سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، حداقل ۴۱۰ هزار میلیارد ریال در سال، صرف پرداخت نقدی به خانوارها شده است. محل تأمین این منابع، منابع شرکت‌های تولیدی و عرضه‌کننده انرژی (به طور متوسط ۷۴ درصد) و بودجه عمومی دولت (به طور متوسط ۲۶ درصد) بوده است. صرف‌نظر از قانونی نبودن بخش عمده تأمین این منابع، برداشت از منابع شرکت‌ها و بودجه عمومی دولت، مشکلات اساسی را برای آنها ایجاد کرد. شرکت‌های تأمین کننده منابع اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، مجبور بوده‌اند، مبالغ مورد نیاز سازمان هدفمندی را به این سازمان پرداخت کنند، در حالی که اصولاً منابعی برای تخصیص به آن، وجود نداشته است.

در نتیجه، این شرکت‌ها با کسری‌های فزاینده (کسری‌های پنهان) مواجه شده‌اند که پیامد آن اخلال در امور جاری شرکت‌ها، توقف در فعالیت‌های توسعه‌ای، عدم سرمایه‌گذاری‌های جدید، عدم پرداخت مطالبات پیمانکاران و ... بوده است.

در طرف دیگر، دولت، هم با کاهش عواید نفتی و هم، با بار مالی فزاینده ناشی از پرداخت یارانه به خانوارها، مواجه شد. نتیجه این فشار مضاعف، کاهش شدید اعتبارات طرح‌های عمرانی کشور بوده است؛ به طوری که عملکرد تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در سال ۱۳۹۱ برابر با ۱۳۷ هزار میلیارد ریال (۳۵ درصد رقم مصوب) و در سال ۱۳۹۲، برابر با ۲۰۳ هزار میلیارد ریال بوده است (همان: ۳-۲).
 اتفاقی که در مورد ترکیب یارانه پرداختی افتاده، نیز بسیار آسیب‌زا است. نگاهی به سهم بخش‌های مختلف اقتصادی نشان می‌دهد که طی سال‌های ۸۷-۱۳۷۹ میزان یارانه انرژی پرداختی به بخش خانگی تنها ۲۳ تا ۲۵ درصد از کل یارانه بوده، اما حتی بر اساس قانون بودجه سال ۱۳۹۰ (و نه عملکرد دولت)، این سهم با توجه به پرداخت یارانه نقدی به ۷۴ درصد افزایش یافته است (جبل عاملی و گودرزی فراهانی، ۱۳۹۳). در سال ۱۳۹۲ دولت ماهیانه ۴۵۵ هزار ریال بین حدود ۷۶/۶ میلیون نفر توزیع کرده و به عبارت دیگر در این سال، بیش از ۴۱۸ هزار میلیارد ریال بین خانوارها توزیع شده، در حالی که درآمد سازمان هدفمند کردن یارانه‌ها از افزایش قیمت حامل‌های انرژی، آب و نان حدود ۳۰۲ هزار میلیارد ریال بوده است. به عبارت دیگر، مصارف و منابع پرداخت یارانه نقدی در سال ۱۳۹۲، حدود ۱۱۵ هزار میلیارد ریال کسری داشته، که از محل منابع بودجه عمومی تأمین شده، در حالی که به موجب ماده (۷) قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، قرار بوده است تا حداکثر ۵۰ درصد از خالص درآمدهای حاصل، صرف پرداخت یارانه‌های نقدی و غیرنقدی به خانوار شود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳: ۳-۲).

مرحله دوم اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها از ۲۰ فروردین ۱۳۹۳ و با ثبت‌نام از متقاضیان دریافت یارانه آغاز شد. در نهایت، بالغ بر ۹۱/۲ درصد از مردم تمایل خود را برای دریافت یارانه مرحله دوم از طریق وب‌گاه رسمی، اعلام کردند. با تصویب نرخ‌های جدید بنزین و سایر فرآورده‌های نفتی در دولت و ابلاغ آنها به وزارت نفت، عملاً مرحله سوم هدفمندسازی یارانه‌ها نیز از خرداد ۱۳۹۴ شروع شده است. مهم‌ترین تغییر ایجاد شده در گام سوم نسبت به گام قبل از آن را می‌توان تک‌نرخ شدن قیمت بنزین دانست. عدم تحقق کامل منابع هدفمندی در سال ۱۳۹۳، وضعیت بودجه در سال ۱۳۹۴، کاهش منابع ناشی از صادرات نفت و میعانات گازی و افزایش رو به ازدیاد جمعیت یارانه‌بگیر، از جمله دلایل افزایش قیمت حامل‌های انرژی در این سال است. این مرحله در شرایطی آغاز شده که کشور در سال پنجم اجرای این قانون قرار داشته است.

اگرچه در سال ۱۳۹۴ می‌بایست اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها تکمیل می‌شد، اما به هر حال، رویدادهای مختلف در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی (همچون جهش نرخ ارز و تحریم‌های اقتصادی) و نیز عدم پای‌بندی به قانون و اجرای ناقص آن در فاز اول که حدود سه سال به طول انجامید، فرصتی برای عمل به مهلت قانونی تعیین شده جهت اجرای کامل قانون باقی نگذاشت.

۳-۱. شواهدی از اقتصاد ایران

محاسبات مطالعه حاضر بیانگر آن است که از سال ۱۳۹۰ به عنوان نخستین سال پس از اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها تا سال ۱۳۹۳، رشد مخارج سالانه صورت گرفته توسط خانوارها بر روی اغلب گروه‌های کالایی - پس از کسر تورم سالانه - یعنی رشد مصرف واقعی گروه‌های کالایی توسط خانوارها، منفی بوده است؛ به طوری که جدول (۱) نشان می‌دهد، رشد مصرف حقیقی سالانه خانوارها در گروه‌های کالایی پوشاک و کفش، مبلمان و لوازم منزل، بهداشت و درمان، فرهنگ و تفریحات و کالاها و خدمات متفرقه از سال ۱۳۹۰ و در گروه خوراک و غذا از سال ۱۳۹۱ همواره منفی بوده است.

جدول ۱. تغییرات واقعی مصرف خانوارها (درصد)

۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	
-۵/۳۳	-۱۸/۱۵	-۹/۲۶	۱/۹۳	۳/۶۴	-۴/۵۹	خوراکی و آشامیدنی
-۱۵/۰۱	-۲۰/۵۴	-۲۰/۵۶	-۶/۶۴	-۱/۵۸	-۴/۰۷	پوشاک و کفش
۱/۳۰	-۴/۱۱	۳/۱۶	۱۱/۴۴	۱۸/۴۴	-۱۵/۴۵	مسکن، آب و سوخت
-۵/۹۰	-۲۲/۴۴	-۱۷/۵۲	-۶/۰۸	-۲/۹۶	۰/۵۳	مبلمان و لوازم منزل
-۱۷/۸۴	-۷/۴۳	-۴/۴۱	-۳۶/۹۵	۲/۴۱	-۰/۸۰	بهداشت و درمان
-۵/۴۷	۳/۳۷	-۲۰/۹۰	۲۰/۱۲	۱۵/۶۷	۱/۷۵	حمل و نقل ارتباطات
-۲/۰۶	-۱۸/۲۰	-۵/۱۲	-۲/۱۶	-۲/۹۹	-۳/۴۰	فرهنگ و تفریحات
-۳/۶۲	-۱۱/۴	-۱۰/۹۰	-۱/۸۷	۵/۳۹	۵/۰۱	سایر

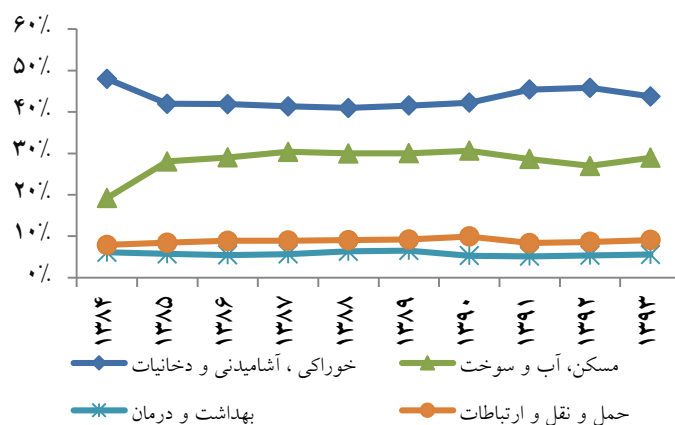
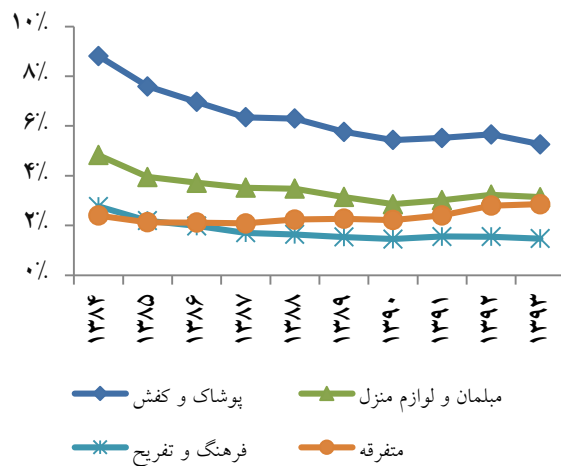
مأخذ: محاسبات تحقیق براساس داده‌های بودجه خانوار مرکز آمار ایران

با توجه به جدول (۱) می‌توان گفت به دلیل بالاتر بودن نرخ تورم سالانه اغلب گروه‌های کالایی نسبت به رشد اسمی سالانه مخارج صورت گرفته توسط خانوارها، علاوه بر اینکه کیفیت سبد مصرفی خانوارها پس از هدفمندسازی یارانه‌ها با تنزل مواجه گردیده است، حتی خانوارها درمورد ضروری‌ترین گروه کالایی موجود در سبد مصرفی‌شان یعنی گروه خوراک و غذا، انقباضی عمل نموده‌اند و بنابراین، پرداخت‌های نقدی همگانی در قالب قانون هدفمندسازی یارانه‌ها نیز قادر نبوده است تا کمک چندانی به بهبود وضعیت رفاهی و معیشتی خانوارها کند.

سهم گروه‌های کالایی از کل مخارج خانوارها که در نمودار (۱) نشان داده شده است، کیفیت سنجی سبد هزینه‌ای خانوارها را نشان می‌دهد. براساس نمودار (۱)، سهم مخارج خوراکی از کل مخارج خانوار که بیانگر شاخص معتبر انگل است از ۴۸ درصد در سال ۱۳۸۴ در یک روند کاهشی به حدود ۴۱ درصد در سال ۱۳۸۸ یعنی سال قبل از اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها رسیده است. در نقطه مقابل شاهد آنیم که با کاهش سهم مخارج خوراکی خانوار از کل مخارج‌شان تا سال ۱۳۸۸، آنها سهم بیشتری از سبد مصرفی خود را به گروه مسکن، آب و سوخت تخصیص داده‌اند؛ به نحوی که سهم این گروه کالایی از کل مخارج خانوار، از حدود ۱۹ درصد در سال ۱۳۸۴ با افزایشی قابل توجه به حدود ۳۰ درصد در سال ۱۳۸۸ رسیده است که با توجه به عدم تغییرات عمده در بهای آب و سوخت در این مدت، می‌توان افزایش سهم مخارج خانوار در این گروه کالایی را عمدتاً متوجه افزایش سهم مسکن از مخارج کل خانوارها دانست. نکته حائز اهمیت در مطالعه حاضر، این است که در آن، برای بررسی مخارج خانوار، از داده‌ها و اطلاعات ۱۲ جزء بخش هزینه بودجه خانوار مرکز آمار استفاده شده و مخارج مسکن، آب و سوخت خانوار نیز، ذیل این بخش (جزء چهارم) قرار می‌گیرد که مخارج مسکن خانوار در بردارنده اطلاعات مربوط به مخارج اجاره‌بهای محل سکونت خانوار (نه سرمایه‌گذاری در بخش مسکن و ساختمان) است و بنابراین، سرمایه‌گذاری خانوار و خریدوفروش در بخش مسکن ذیل مخارج مسکن خانوار قرار نمی‌گیرد و به‌صورت جداگانه در جزء چهاردهم بخش هزینه‌ها (بخش سرمایه‌گذاری خانوار) مورد بررسی قرار می‌گیرد، لذا می‌توان گفت از آنجایی که مسکن برای خانوارها کالایی ضروری قلمداد می‌شود، افزایش سهم مخارج مسکن طی دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸، نشان‌دهنده آن است که خانوارها سهم بیشتری از مخارج خود را به اجاره‌بهای محل سکونت خود اختصاص داده‌اند که می‌تواند ناشی از افزایش اجاره‌بهای مسکن در این دوره باشد و یا به علت بهبود نسبی وضعیت معاش خانوارها و سکنی‌گزیدن در خانه‌هایی با اجاره‌بهای بالاتر باشد، اما با توجه به این نکته که کاهش سهم خوراک از سبد مصرفی خانوار طی این دوره قابل توجه بوده و خوراک خانوار نسبت به مسکن، کالای ضروری‌تری محسوب می‌شود و دارای کشش درآمدی پایین‌تری نسبت به آن بوده، در این دوره وضعیت رفاه خانوار بهبود یافته است و خانوارها سهم گروه کالایی خوراکی را از مخارج خود کاسته‌اند تا بتوانند به خانه‌هایی با اجاره‌بهای بالاتری دست پیدا کنند.

نتایج بررسی‌ها همان‌گونه که در نمودار (۱) ملاحظه می‌شود، نشان‌دهنده آن است که از سال اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها یعنی سال ۱۳۸۹، تا انتهای سال ۱۳۹۲، همواره سهم مخارج خوراکی خانوار از کل مخارج خانوار روندی صعودی داشته، به نحوی که این سهم، از حدود ۴۱/۵ درصد در سال ۱۳۸۹، به حدود ۴۵/۸ درصد در انتهای سال ۱۳۹۲ افزایش یافته، ولی در سال ۱۳۹۳ به ۴۳/۷ درصد کاهش یافته است.

نمودار ۱. سهم گروه‌های کالایی از کل مخارج خانوار



در مجموع با در نظر گرفتن سهم گروه‌های کالایی از کل مخارج خانوار و افزایش قابل توجه سهم مخارج خوراک خانوارها از سبد هزینه‌های آنها و کاهش سهم مخارج کالاهای کمتر ضروری و غیرضروری از کل مخارج خانوار، پس از اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، می‌توان به این نتیجه دست‌یافت که طی دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳، ترکیب سبد خانوار از «اقلام کمتر ضروری و غیرضروری» به سمت «اقلام ضروری» انتقال یافته است.

۲. مروری بر پیشینه پژوهش

جهت بررسی تغییرات وضعیت رفاهی خانوارها پس از هدفمندی یارانه‌ها، مطالعات داخلی زیادی توسط سازمان‌ها، اشخاص حقوقی و پژوهشگران داخلی صورت پذیرفته است. نقطه تمایز و نوآوری مطالعه حاضر با سایر مطالعات داخلی صورت گرفته در این زمینه، از دو جنبه است: اولاً درحالی که اغلب مطالعات صورت گرفته برای بررسی وضعیت رفاهی خانوارهای کشور از شاخص‌های مرسوم و متعارف سنجش توزیع درآمد استفاده نموده‌اند، در این مطالعه، سنجش اوضاع معیشتی خانوارها پس از طرح هدفمندسازی یارانه‌ها، به وسیله بررسی تغییرات رفتار مصرفی خانوارها صورت گرفته است که می‌تواند معیاری قابل اتکا جهت کیفیت سنجی سبد مصرفی خانوارها و در نتیجه، سنجش وضعیت رفاهی آنان پس از طرح مذکور باشد؛ ثانیاً، در مطالعه حاضر برخلاف اغلب مطالعات داخلی که جهت برآورد معادلات تقاضای خانوارها برای گروه‌های کالایی، صرفاً از کشش‌های قیمتی و درآمدی بهره گرفته‌اند، خصوصیات اقتصادی و اجتماعی خانوارها که نقشی تعیین کننده در تقاضای آنها برای گروه‌های کالایی دارد نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۲-۱. مطالعات خارجی

فرج‌زاده و بخشوده (Farajzadeh, and Bakhshoodeh, 2015) با استفاده از روش تعادل عمومی قابل محاسبه، به تحلیل اقتصادی و محیطی اصلاح مالیات‌ها تحت دو سناریو پرداخته‌اند. در سناریوی اول، کل سوبسید را به خانوارها تخصیص دهند، و در سناریوی دوم، نصف آن را به تولید کننده و نصف آن را به مصرف کننده تخصیص داه‌اند. حذف یارانه و تخصیص آن به خانوارها باعث کاهش تولید ناخالص داخلی و افزایش شاخص قیمت‌ها می‌شود.

مشیری (Moshiri, 2015) در مطالعه‌ای، اثر اصلاح قیمت‌های انرژی را بر مصرف خانوارها در ایران بررسی می‌کند و با بهره‌گیری از کشش تقاضای انرژی در گروه‌های مختلف درآمدی، مدل دو مرحله‌ای بهینه‌یابی مصرف کننده و همچنین داده‌های بودجه خانوار در بازه زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که کشش تقاضای انرژی بسیار پایین بوده، اما کشش درآمدی نزدیک به یک است. در بین گروه‌های مختلف درآمدی، عکس‌العمل متفاوتی وجود دارد، طوری که خانوارهای شهری، دارای عکس‌العمل بیشتری به تغییرات قیمت هستند، بنابراین اصلاح حامل‌های انرژی، مصرف انرژی را کاهش می‌دهد.

غریب نواز و واسچیک (Gharibnavaz, M.R and Waschik, 2015) اصلاح یارانه‌های غذا و انرژی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که افزایش رفاه کل خانوارها در

اثر اجرای این سیاست، به اندازه ۴۵ درصد است و افزایش رفاه خانوارهای فقیر بالغ بر ۱۰۰ درصد است. این فرایند همچنین باعث افزایش درآمد دولت به اندازه ۳۰ درصد می‌شود.

کوریم (Korayem, 2013) به بررسی برنامه یارانه مواد غذایی و کمک‌های اجتماعی بر اساس داده‌های منتشر شده و داده‌های میدانی مربوط به هفت استان با بیشترین نرخ فقر در مصر پرداخته است. او با بررسی تأثیر یارانه کالایی (شامل یارانه نان برای همه خانوارها و یارانه مواد غذایی برای خانوارهای فقیر) در مقابل یارانه‌های نقدی بر وضعیت فقر در مصر، به این نتیجه رسید که یارانه کالایی به یارانه نقدی ترجیح داده شده است؛ زیرا به دلیل بالا بودن نرخ تورم در این کشور، مواد غذایی ضروری برای خانوار فقیر در یارانه کالایی فراهم می‌شود، در حالی که با پرداخت یارانه نقدی به دلیل افزایش قیمت در بازار، قدرت خرید کاهش می‌یابد. با این وجود، اصلاح سیستم توزیع یارانه کالایی به منظور دستیابی افراد کم درآمد به مواد غذایی، ضروری تشخیص داده شده است.

برانلوند و نودستروم (Brannlund and Nodstrom, ۲۰۰۴) با استفاده از داده‌های خانوارهای کشور سوئد، اثرات رفاهی ناشی از تغییرات سیاست‌های انرژی و محیط زیست را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این تحقیق، تقاضای مصرفی برای کالاهای بی‌دوام با استفاده از روش Q AIDS^۱ در سال‌های ۱۹۸۵، ۱۹۸۸ و ۱۹۹۲ برآورد و تغییرات رفاهی ناشی از مالیات بر دی اکسید کربن از طریق شاخص تغییرات معادل (EV) محاسبه شده است. نتایج نشان می‌دهد که مالیات بر دی اکسید کربن، اثرات رفاهی منطقه‌ای متفاوتی دارد و خانوارهایی که در مناطق کم تراکم‌تر زندگی می‌کنند، بار مالیاتی بیشتری را متحمل می‌شوند.

جنسن و مانریکو (Jensen, and Manrique, 1998) در مطالعه‌ای ساختار تقاضا بر اساس داده‌های مخارج خانوار بر روی گروه‌های مختلف درآمدی (سطوح درآمدی پایین، متوسط پایین، متوسط بالا و بالا) را تشریح و با سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل تعمیم یافته خطی، این تقاضا را برآورد کرده‌اند. این مطالعه با استفاده از داده‌های آماری مخارج و ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی خانوارهای اندونزیایی برای سال‌های ۱۹۸۱، ۱۹۸۲ و ۱۹۸۷ صورت گرفته و کالاهای مورد مطالعه شامل هشت گروه کالایی برنج، گوشت، لبنیات، ماهی، محصولاتمانند سویا، ذرت، گندم و غیره، میوه و سایر مواد خوراکی و غیر خوراکی بوده است. نتایج نشان داد که تقاضای خانوارهای با درآمد متوسط به بالا و درآمد متوسط، نسبت به قیمت‌ها، درآمد و متغیرهای جمعیتی و تقاضای خانوارهای با درآمد متوسط به پایین، فقط نسبت به درآمد و قیمت‌های برنج و ماهی واکنش نشان می‌دهد.

فردن و والیج (Frend and Walich, ۱۹۹۵) منافع و زیان‌های افزایش قیمت انرژی را بر خانوارهای لهستانی بررسی کرده و نشان داده‌اند که در مجموع، خانوارهای پردرآمد، رفاه بیشتری از

دست می‌دهند. با فرض اینکه کشتش تقاضا صفر باشد، رفاه خانوارهای فقیر، ۵/۹ درصد کاهش می‌یابد، در صورتی که ثروتمندترین خانوارها با ۸/۲ درصد کاهش مواجه هستند. برحسب نوع انرژی، میزان رفاه از دست رفته خانوارها در اثر افزایش قیمت برق، بیشتر از سایر حامل‌ها می‌باشد. به علاوه، افزایش قیمت برق در مقایسه با سایر انرژی‌ها بیشترین تأثیر منفی بر خانوارهای فقیر را دارد و زیان از دست رفته آن از سایر حامل‌های انرژی بیشتر می‌باشد.

۲-۲. مطالعات داخلی

بزازان و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "تأثیر هدفمندی یارانه انرژی برق بر تقاضای خانوارها به تفکیک شهر و روستا در ایران (یک رهیافت سیستمی)"، به سنجش اثر هدفمندی یارانه انرژی برق بر تقاضای خانوار شهری و روستایی در ایران پرداخته‌اند. آنها با محاسبه کشتش قیمتی خودی مارشالی و کشتش مخارجی برای سال‌های ۹۱-۱۳۷۰ و با استفاده از روش رگرسیون‌های به ظاهر نامرتب به این نتیجه دست یافته‌اند که قدرمطلق کشتش قیمتی خودی برای هر دو نوع خانوار شهری و روستایی کمتر از واحد و کوچک است، لذا سیاست‌های قیمتی انرژی به تنهایی برای کاهش مصرف برق، احتمالاً کارساز نبوده و ضرورت ایجاد می‌کند در کنار آن، از سیاست‌های مکملی چون تشویق مردم به استفاده از وسایل کم مصرف، افزایش فرهنگ مصرف و آگاهی عمومی استفاده شود.

احمدی و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان "هدفمند کردن قیمت حامل‌های انرژی و رفتار مصرفی خانوارهای شهری"، ترکیب مخارج مصرفی خانوارهای شهری در ایران را تحت سناریوهای قیمتی مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. آنان با استفاده از سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل و اطلاعات ۱۰ دهک هزینه‌ای طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۹۲ به این نتیجه دست می‌یابند که با اعمال هر یک از دو سناریوی قیمتی ۲۰ و ۸۵ درصدی، ترکیب مصرفی خانوارهای شهری دستخوش تغییر نمی‌گردد و اولویت مصرفی آنان قبل از قیمت به ترجیحات و نیازشان وابسته است.

جبل عاملی و گودرزی فراهانی (۱۳۹۳)، در مقاله خود با عنوان "تأثیر اصلاح یارانه بر مصرف حامل انرژی در ایران: مطالعه موردی مصرف بنزین، نفت و گازوئیل"، به بررسی اثر تغییر در قیمت حامل‌های انرژی همچون نفت، بنزین و گازوئیل بر مصرف آن طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۵۰ در ایران با استفاده از روش خود رگرسیون برداری (VAR) پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که تغییرات قیمت حامل‌های انرژی، به تنهایی اثر چندانی بر مصرف این فرآورده‌ها نخواهد داشت. آنها پیشنهاد می‌کنند که جهت کاهش مصرف این حامل‌ها در کشور، از به کارگیری سیاست‌های قیمتی (افزایش قیمت نفت، بنزین و گازوئیل) به عنوان تنها ابزار سیاستگذاری به شدت پرهیز شود.

همچنین نتایج حاصل از علیت گرنجری بیانگر این موضوع بوده که یک علیت یک سویه از سمت مصرف حامل‌های انرژی به سمت قیمت آنها وجود دارد.

مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان "بررسی آثار پرداخت یارانه نقدی و حذف یارانه سه دهک خانوارها، بر تولید و توزیع درآمد نهادی" در گام اول، آثار توزیعی هدفمندکردن یارانه‌ها را با در نظر گرفتن تورم بررسی، و پس از آن، آثار توزیعی ناشی از فعل و انفعالات بخش حقیقی اقتصاد را از طریق الگوسازی ماتریس حسابداری اجتماعی بررسی و سپس نتایج به دست آمده را با اهداف اولیه مقایسه نموده است. در گام بعدی، آثار تولیدی و توزیعی حذف یارانه نقدی پرداختی به سه دهک بالای درآمدی با استفاده از روش ضرایب فزاینده قیمت ثابت محاسبه شده و در پایان نیز چالش‌های پیش رو در حذف یارانه دهک‌های مختلف بررسی شده و راهکارهایی برای آنها ارائه گردیده است. نتایج این مطالعه نشان داده است که چه با رویکرد ماتریس حسابداری اجتماعی و چه با رویکرد هزینه خانوار، پرداخت یارانه برابر، وضع دهک‌های بالای درآمدی را به میزان بیشتری نسبت به دهک‌های پایین درآمدی بهبود می‌بخشد. همچنین بررسی سناریوی حذف سه دهک خانوارها و پرداخت به بخش سلامت، نشان داده است که دولت می‌تواند با حذف یارانه سه دهک و پرداخت به این بخش باعث بهبود توزیع درآمد و تولید شود.

رضایی قهرودی و باغ فلکی (۱۳۹۲) طی مطالعه‌ای که در پژوهشکده آمار تحت عنوان "بررسی تأثیر هدفمندکردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها" صورت پذیرفته، نشان داده‌اند که در دوره مورد بررسی، سهم هزینه‌های مختلف در دهک‌های بالا، کاهش و سهم انواع هزینه‌ها در دهک‌های پایین، افزایش یافته و بنابراین فاصله طبقاتی کاهش پیدا کرده است. آنان همچنین نشان داده‌اند که در دوره ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰، این کاهش فاصله طبقاتی در دهک‌های پایین در مورد برخی کالاها مانند غلات، نان و گوشت قرمز در نقاط روستایی، روغن و چربی، آب، انتقالات، کفش و پوشاک، حمل و نقل قابل توجه ولی در مورد برخی اقلام مانند شیر و فرآورده‌های آن، مواد دخانی، مسکن، میوه و خشکبار و ارتباطات، دارای تفاوت فاحشی نبوده است.

دادگر و نظری (۱۳۹۰) در مقاله خود تحت عنوان "تحلیل رفاهی سیاست‌های یارانه‌ها در اقتصاد ایران"، به بررسی هدفمندسازی یارانه‌ها و آثار و تبعات اقتصادی و اجتماعی آن پرداخته‌اند. آنان با استفاده از الگوی رگرسیون برداری براساس داده‌های سری زمانی ۹۱-۱۳۵۳ به این نتیجه دست یافته‌اند که سیاست هدفمندی یارانه‌ها به شرط وجود دولت بهینه و فراهم بودن زیرساخت‌ها باعث کاهش نابرابری در ایران می‌شود؛ و کارکرد مثبت آزادسازی قیمت‌ها و حذف یا هدفمندی یارانه‌ها، مشروط به وجود دولت بهینه و بسترهای اساسی در یک نظام اقتصادی پیش رو است. اما کشور ما در حال حاضر فاقد آن بوده و سیاست‌های یارانه‌ای دولت نهایتاً موجب سردرگمی بیشتر بخش کسب و

کار، افزایش قیمت کالاهای اساسی، به هم ریختگی بیشتر توزیع درآمدها و مجموعه‌ای از پیامدهای منفی اجتماعی و اقتصادی گردیده است.

۳. مبانی نظری

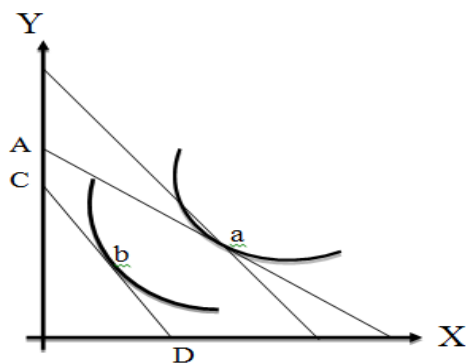
الگوی مصرف خوراکی خانوارها نشان دهنده سطح رفاه خانوارها است، که با توجه به بودجه محدود خود، ابتدا به برآورد نیازهای اساسی می‌پردازند؛ نیازهایی که بیشترین مطلوبیت را برای آنها به دنبال دارد. مصرف خانوارها تحت تأثیر دو عامل قیمت و درآمد قرار دارد، هر چه درآمد خانوارها افزایش یابد، مصرف کالاهای لوکس خانوارها افزایش می‌یابد و بنابراین، سهم نیازهای اساسی کاهش می‌یابد؛ اما با ثابت بودن سایر شرایط، هر چه قیمت‌ها در اقتصاد افزایش یابد، تمرکز خانوارها به خصوص خانوارهای کم‌درآمد در جهت برآورد نیازهای اساسی‌شان افزایش می‌یابد؛ زیرا در خانوارهای کم‌درآمد بخش اعظم درآمد، صرف برطرف کردن نیازهای اساسی می‌شود و از این رو، کاهش قدرت خرید این خانوارها با افزایش سطح قیمت‌ها، مخارج مصرفی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ درحالی‌که در خانوارهای پردرآمد که بخش اعظم درآمد، پس‌انداز می‌شود، با افزایش سطح قیمت‌ها، پس‌انداز که بخش مازاد بر مصرف است، تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

هر گونه سیاست حمایتی در جهت کاهش فقر، دارای اثراتی است که ممکن است در عمل منجر به نتایج معکوسی شود. سیاست هدفمندی یارانه‌ها دارای دو اثر همجهت می‌باشد. به این صورت که آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی به دلیل افزایش هزینه تولید منجر به افزایش تورم می‌شود؛ زیرا توزیع یارانه‌ها در بخش تولید و مصرف به طور ناعادلانه بوده است. براساس تئوری‌های اقتصادی، افزایش درآمد خانوارهای ثروتمند، دارای اثرگذاری کمتری بر تورم نسبت به حالتی است که درآمد خانوارهای فقیر افزایش می‌یابد و بنابراین، با توجه به اینکه در سیاست هدفمندی یارانه‌ها، درآمد خانوارهای فقیر به طور نسبی بیشتر افزایش یافته (به دلیل اینکه درآمد موقتی حاصله از یارانه‌های نقدی پرداخت شده به خانوارها، بخش قابل ملاحظه‌ای از درآمد خانوارهای کم‌درآمد را تشکیل می‌دهد)، لذا تورم از این ناحیه نیز افزایش یافته است.

به طور کلی، سیاست هدفمندی یارانه‌ها، از یک طرف درآمد خانوارها را افزایش می‌دهد و از طرف دیگر، تورم را افزایش می‌دهد. بنابراین، تغییرات در قدرت خرید به برآورد دو اثر مذکور بستگی دارد. قانون هدفمندی یارانه‌ها براساس اصول اقتصاد خرد و جبران اسلاتسکی اجرایی گردید، قبل از هدفمندی یارانه‌ها، نظام پرداخت یارانه‌ها به دلیل ساز و کار غیر مستقیم آن، بیشتر در جهتی بود که خانوارهای فقیر توان و امکان استفاده از آن را نداشتند. بر همین اساس، در جهت برخورداری خانوارهای فقیر از یارانه‌ها، قانون هدفمندی یارانه‌ها اجرا شد که در قالب آن سوبسید از کالاها برداشته

شد و قیمت‌های نسبی به صورت مستقیم و غیرمستقیم، افزایش یافتند که در نتیجه آن، خط بودجه خانوارها مطابق نمودار (۲) از AB به CD انتقال یافت و ترکیب کالایی بهینه آنان از a به b تغییر نمود؛ لذا هدف سیاستگذار بر اساس جبران اسلاتسکی، این بود که با پرداخت یارانه نقدی به صورت یکسان به همه خانوارها، خط بودجه خانوارها از CD به صورت موازی به بالا انتقال یابد که بتوانند به همان ترکیب کالایی پیش از هدفمندسازی یارانه‌ها دست یابند و به عبارت دیگر رفاه آنان دچار تغییر نشود.

نمودار ۲. جبران اسلاتسکی



۴. داده‌ها و روش مطالعه

۴-۱. گردآوری و تحلیل داده‌ها

با توجه به اینکه مطالعه حاضر به بررسی ترکیب هزینه‌های خانوار می‌پردازد، لذا لزوم استفاده از داده‌های در سطح خرد بودجه-خانوار مرکز آمار مطرح است. داده‌های درآمد-هزینه خانوار شامل گزارش اقتصادی-اجتماعی خانوار است که به صورت سالانه توسط مرکز آمار ایران جمع‌آوری و انتشار می‌یابد. گزارش ویژگی اقتصادی و اجتماعی خانوار، از چهار قسمت تشکیل شده است. در قسمت اول، نتایج حاصل از خصوصیات اجتماعی خانوارهای پرسش شده از قبیل سن، جنس، بستگی با سرپرست خانوار، وضعیت سواد، مدرک تحصیلی، فعالیت فرد و وضعیت زناشویی گزارش شده است. قسمت دوم، داده‌های بودجه خانوار مربوط به محل سکونت و امکانات رفاهی محل سکونت است.

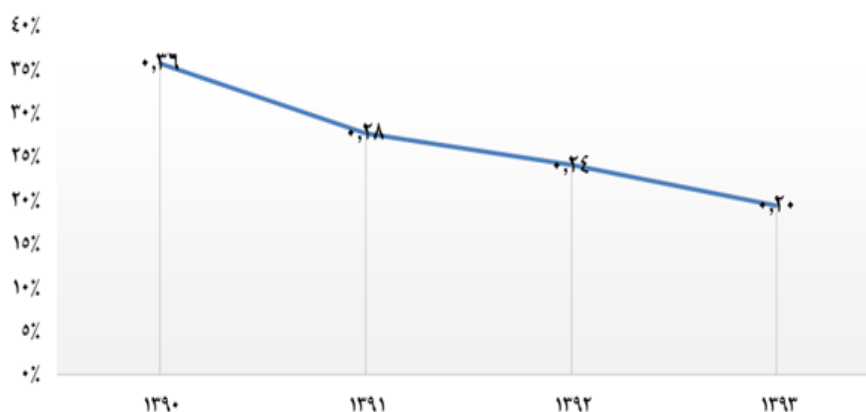
در قسمت سوم، انواع هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی و سرمایه‌گذاری خانوار به‌طور کامل گزارش می‌شود. قسمت چهارم، درآمدهای خانوار در سه بخش درآمد حاصل از مشاغل مزد و حقوق‌بگیر، مشاغل غیر مزد و حقوق‌بگیر (آزاد) و متفرقه برای کل اعضای شاغل خانوار گزارش شده و از سال ۱۳۹۰ به دلیل ارائه یارانه نقدی، میزان یارانه نقدی دریافت شده توسط خانوار نیز گزارش شده است. با توجه به موضوع مطالعه، از قسمت سوم، مخارج خانوارها به تفکیک هشت گروه کالایی خوراکی، هزینه‌های پوشاک و کفش، هزینه‌های مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی، هزینه‌های مبلمان، لوازم خانگی و نگهداری آنها، هزینه‌های بهداشتی و درمانی، هزینه‌های حمل‌ونقل، هزینه‌های ارتباطات، هزینه‌های خدمات فرهنگی و تفریحات، هزینه‌های آموزش و تحصیل، هزینه‌های غذاهای آماده، هتل و رستوران و هزینه‌های کالاها و خدمات متفرقه خانوار و از قسمت چهارم، بخش یارانه دریافتی خانوار استفاده شده است.

لازم به ذکر است که در گام اول، تمامی مخارج اعضای خانوارهای نمونه موجود در طرح درآمد-هزینه خانوار مرکز آمار، به صورت خام و در قالب نرم افزار Access در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد. بنابراین، در مطالعه حاضر، برای کاربردی نمودن این داده‌های خام جهت فرایند تخمین، با استفاده از کدنویسی ماکرو^۱ در Excel و استخراج جداگانه هر یک از هشت بخش هزینه‌کردی هر خانوار شهری و روستایی در هر سال، با به کارگیری نرم افزار Stata، مخارج همه خانوارهای شهری و روستایی بر روی تک تک گروه‌های کالایی در سال‌های مختلف ادغام و سپس این داده‌های ادغام شده، دوباره به محیط Excel جهت محاسبات نهایی منتقل شده‌اند.

نتیجه این مطالعه بیانگر آن است که خانوارها برای ماندن در وضعیت حداقل معاش، سهم بیشتری از مخارج خود را به کالاهای با کشش درآمدی پایین، یعنی اقلام ضروری، اختصاص داده‌اند. اگرچه

همان‌گونه که جدول (۱) ملاحظه گردید، افزایش سهم مخارج کالاهای ضروری از کل مخارج مصرفی خانوارها نیز قادر نبوده جلوی افت سالانه مصرف واقعی این کالاها را طی سال‌های پس از هدفمندسازی یارانه‌ها بگیرد و علت آن، بالاتر بودن نرخ تورم گروه‌های کالایی مختلف از افزایش اسمی مصرف آنها بوده است و حتی پرداخت‌های نقدی نیز به علت از دست رفتن ارزش واقعی، نتوانسته به بهبود و حتی به ثبات وضعیت معیشتی خانوارها کمک درخوری نماید. همان‌طور که در نمودار (۳) مشاهده می‌شود نسبت یارانه نقدی دریافتی ماهانه خانوارها از کل مخارج ماهانه آنان از سال ۱۳۹۰ دائماً با کاهش مواجه شده است و از ۳۵/۸ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۲۷/۸ درصد در سال ۱۳۹۱، ۲۴/۱ درصد در سال ۱۳۹۲ و بالاخره ۱۹/۵ درصد در سال ۱۳۹۳ تنزل یافته است.

نمودار ۳. نسبت متوسط یارانه نقدی دریافتی از کل مخارج ماهانه خانوار



مأخذ: محاسبات تحقیق

مطالعه حاضر بر آن است تا الگوی مصرفی خانوارها پس از هدفمندسازی یارانه‌ها را مورد بررسی قرار دهد، و به همین منظور از متغیرهایی مانند درآمد خانوار، بعد خانوار، جنس و سن سرپرست خانوار، شاغل یا بیکار بودن سرپرست خانوار، شهری یا روستایی بودن، سال‌های تحصیل سرپرست خانوار، دارای همسر یا بدون همسر بودن سرپرست خانوار، شاخص قیمت گروه‌های کالایی و میزان یارانه نقدی دریافتی هر ماه خانوار استفاده شده است. جدول (۲)، ویژگی داده‌های مورد استفاده را نشان می‌دهد، سطح درآمد واقعی ماهیانه خانوارها به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ از مقدار ۱۰/۳ میلیون ریال در سال ۱۳۸۹ به مقدار ۷/۶۹ میلیون ریال در سال ۱۳۹۳ کاهش یافته است. از آنجا که، هم

بعد خانوارها کاهش و هم، سطح قیمت‌ها افزایش داشته است، بنابراین می‌توان گفت یارانه نقدی دریافتی خانوارها نیز با کاهش مواجه شده است.

جدول ۲. ویژگی‌های خانوارهای مورد مطالعه

۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	
۳۸۱۸۹	۳۷۷۱۵	۳۷۵۲۸	۳۷۸۸۳	۳۷۶۴۰	تعداد مشاهدات (خانوار)
۳/۶۳	۳/۶۶	۳/۸۱	۳/۸۹	۳/۹۶	بعد خانوار (نفر)
-/۸۶۹	۰/۸۷۷	-/۸۶۴	۰/۸۷۲	۰/۸۷۹	جنس سرپرست
۴۹/۷۶	۴۸/۳۸	۵۰/۹۷	۵۰/۱۹	۴۹/۲۸	سن سرپرست (سال)
-/۶۸۸	۰/۷۰۸	-/۶۸۵	۰/۶۹۴	۰/۷۱۳	وضعیت اشتغال سرپرست
-/۴۹۳	-/۴۹۳	-/۴۸۶	۰/۴۸۷	۰/۴۸۸	شهری یا روستایی بودن
۵/۷۲	۵/۵۰	۵/۳۶	۵/۳۷	۵/۳۴	سال تحصیل سرپرست
۸۵/۷۱	۸۶/۶۳	۸۵/۱۶	۸۵/۸۶	۸۶/۴۷	درصد تأهل سرپرست خانوارها
۸۵۹۵۱۶	۱۱۴۵۰۳۳	۱۴۵۳۷۷۱	۱۹۵۵۰۹۰	-	یارانه نقدی (ریال) به قیمت ثابت ۱۳۹۰
۷۶۹۵۶۳۳	۸۰۸۲۸۷۹	۸۹۸۴۸۶۴	۹۶۷۱۹۹۷	۱۰۳۰۱۵۱۳	درآمد ماهانه (ریال) به قیمت ثابت ۱۳۹۰

مأخذ: محاسبات تحقیق بر اساس داده‌های بودجه خانوار مرکز آمار ایران

۴-۲. روش مطالعه

در مطالعه حاضر، تلاش شده است تا تأثیر متغیر یارانه بر روی سیستمی از مخارج خانوارها که تشکیل شده از هشت بخش (گروه کالایی) است، مورد بررسی قرار بگیرد. از آنجا که تقاضای هر خانوار برای گروه‌های کالایی در یک زمان صورت می‌پذیرد، لذا از سیستم معادلات همزمان استفاده شده است. برای تخمین معادلات سیستمی معمولاً چند روش مانند 2SLS، 3SLS و SUR وجود دارد، اما از آنجایی که در این مطالعه، متغیرهای موجود در سمت راست معادلات برونزا است، لذا از روش SUR استفاده می‌شود؛ زیرا SUR، تکنیک مفیدی برای مدل‌هایی که متغیرهای سمت راست درونزا دارند، نیست (اشمیت، ۱۳۸۸: ۳۵۳).

معادله (۱)، نحوه اثرگذاری متغیرهای اقتصادی-اجتماعی خانوار بر سهم هر یک از گروه‌های کالایی هشت گانه را نشان می‌دهد.

$$sh_{ki} = \beta_0 + \beta_1 ps_i + \beta_2 active_k + \beta_3 num_k + \beta_4 mari_k + \beta_5 yara_k + \beta_6 gender_k + \beta_7 age_k + \beta_8 urban_k + \beta_9 age2_k + \beta_{10} sch_k + \beta_{11} py_k + \beta_{12} ppx_k + \beta_{13} t + \varepsilon_i$$

$$i = 1, 2, \dots, 8 \quad (1)$$

1. Two-Stage Least Squares
2. Three-Stage Least Squares
3. Seemingly Unrelated Regression

در معادله (۱)، num_k بعد خانوار k ام است، $marik$ متغیر مجازی وضعیت تأهل سرپرست خانوار k ام است که در صورت متأهل بودن، برابر یک و در غیر این صورت، برابر صفر است، $yara$ متغیر مجازی وضعیت پرداخت یارانه نقدی است که برای سال‌های قبل از ۱۳۹۰ (و خانوارهایی که یارانه نقدی دریافت نکرده‌اند)، برابر صفر و برای سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ (و خانوارهایی که یارانه نقدی دریافت نموده‌اند)، برابر یک است (اما این متغیر در مدل دوم مورد استفاده در این مطالعه، میزان یارانه نقدی دریافتی واقعی هر ماه خانوار به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ است)، $gender_k$ متغیر مجازی جنسیت سرپرست خانوار k ام است که در صورت مرد بودن سرپرست، برابر یک و در صورت زن بودن، صفر است، age_k سن سرپرست خانوار k ام است، $urban_k$ متغیر مجازی وضعیت شهرنشینی خانوار k ام است؛ به طوری که در صورت شهری بودن، یک و در صورت غیرشهری بودن، صفر است. $age2_k$ مجذور سن سرپرست خانوار k ام است، sch_k میزان تحصیلات سرپرست خانوار k ام برحسب سال، py_k درآمد خانوار k ام برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰، t روند تغییرات زمان و pxp_i شاخص وزنی قیمت گروه‌های کالایی بجز گروه کالایی i ام است که از رابطه زیر محاسبه گردیده است:

$$pxp_i = \sum_{\substack{j=1 \\ j \neq i}}^8 p_j \cdot s_j \quad \sum_{\substack{j=1 \\ j \neq i}}^8 s_j$$

s_j نیز بیانگر متوسط مخارج ماهانه خانوار بر روی گروه کالایی j ام است.

از آنجا که اثرگذاری عوامل گوناگون از جمله هدفمندسازی یارانه‌ها را بر روی رفتار مصرفی خانوارها در تخصیص مخارج‌شان میان گروه‌های کالایی فوق بررسی می‌شود، لذا هشت معادله همزمان از معادله (۱) استخراج می‌گردد.

در تحلیل‌های اقتصادی، گاهی ممکن است با مجموعه‌ای از معادلات برای تخمین مواجه باشیم. برای مثال، فرض کنید تخمین تابع تقاضا برای مجموعه‌ای از کالاها، تابع تقاضا برای بخش‌های مختلف حمل و نقل، تابع سرمایه‌گذاری برای تعدادی از بنگاه‌ها و یا توابع مصرف برای زیر مجموعه‌ای از جمعیت، مدنظر است. در این مثال‌ها، جملات اختلال معادلات مختلف می‌توانند همبسته باشند. ارتباط جملات اختلال بین معادلات مختلف به همبستگی همزمان^۲ معروف است که البته این مفهوم

۱. با شدت گیری تحریم‌های بین المللی بویژه تحریم‌های مالی بین المللی علیه کشور، محدودیت‌های موجود از طریق اثرگذاری بر روی نرخ ارز و در نتیجه اثرگذاری بر روی شاخص قیمت‌ها، دارای تأثیر غیرمستقیم بر روی رفتار مصرفی خانوارها بوده اند، لذا در مطالعه حاضر، با در نظر گرفتن شاخص قیمت‌ها و همچنین متغیرهای حقیقی به جای متغیرهای اسمی، اثر شدت یافتن تحریم‌های بین المللی از سال ۱۳۹۰ بر روی رفتار مصرفی خانوارها لحاظ گردیده است.

2. Contemporaneous Correlation

با عبارت خودهمبستگی که به ارتباط جملات اختلال در طی زمان برای یک معادله دلالت دارد، متفاوت است. تحت شرایط وجود همبستگی همزمان، تخمین معادلات به صورت همزمان دارای کارایی بیشتری نسبت به تخمین معادلات به صورت تکی است. روش مناسب برای تخمین چنین معادلاتی به تخمین رگرسیون‌های به ظاهر نامرتب معروف است (تشکینی، ۱۳۹۳).

معادلات به ظاهر نامرتب در مورد رگرسیون‌هایی بحث می‌کند که به ظاهر مستقل از هم هستند و به نظر می‌رسد که کاربرد روش OLS مشکلی را ایجاد نمی‌کند، اما تصور کنید که دو معادله رگرسیون داریم که یکی Y_{1t} و دیگری Y_{2t} را توصیف کند. از طرف دیگر، Y_{it} شامل دو جزء است: یکی، جزء معین که با $E(Y_{it}|X_{it})$ نشان داده می‌شود و دیگری، u_{it} که شامل اثر سایر عوامل است؛ درحالی‌که جزء معین، شامل متغیرهایی است که هیچ ارتباطی بین این دو معادله نشان نمی‌دهد، ولی u_{it} به گونه‌ای است که موجب تغییر همزمان Y_{1t} و Y_{2t} می‌شود. لذا عوامل ناشناخته که موجب تغییر u_{it} می‌شود، موجب وابستگی Y_{1t} و Y_{2t} می‌گردد. در این شرایط، کاربرد OLS نمی‌تواند به تخمین‌های سازگار منجر شود (سوری، ۱۳۹۲: ۶۱۱).

در روش SUR، متغیرهای وابسته مختلف تحت بررسی، گویا "ظاهراً" با یکدیگر ارتباطی ندارند و یا حداقل اطلاعاتی در مورد این ارتباط در دست نیست ولی طی بررسی سیستمی، این ارتباط مشاهده می‌شود. در واقع به علت فقدان اطلاعات، این ارتباط‌ها در جملات اخلاص ظاهر می‌شود و تنها تخمینی از آن قابل بررسی است، لذا پس از برآورد سیستم معادلات SUR به روش OLS، جهت بررسی وجود همبستگی همزمان میان معادلات موجود در سیستم از آماره آزمون LM بروش-پاگان، استفاده می‌شود که اگر مقدار LM در ناحیه بحرانی واقع گردد، فرضیه صفر، دال بر عدم وجود همبستگی همزمان میان جملات اخلاص این معادلات رد شده، تخمین OLS با تخمین GLS متفاوت، و کارایی GLS از OLS بیشتر است.

فرض کنید تعداد m معادله رگرسیونی وجود دارد:

$$y_i = x_i \beta_i + \varepsilon_{it}, \quad i = 1, 2, \dots, m \quad (2)$$

در رابطه (۲)، متغیر x_i برداری از متغیرهای توضیحی، و β_i ضرایب تخمینی برای هر گروه کالایی، و y_i متغیر وابسته تحقیق است، و در صورت استقلال اجزاء اخلاص، ضرایب به صورت رابطه (۳) به دست می‌آید:

$$\hat{\beta} = (x'x)^{-1}x'y \quad (3)$$

زمانی که ماتریس واریانس-کوواریانس معادلات که معمولاً به صورت Ω نشان داده می‌شود، معین باشد، از روش تبدیل مناسب استفاده می‌گردد، و در واقع این روش، همان روش WLS است، و بنابراین، ضرایب به صورت رابطه (۴) می‌باشد.

$$\hat{\beta} = (x' \Omega^{-1} x)^{-1} x' \Omega^{-1} y \quad (۴)$$

اما در صورتی که ماتریس واریانس-کوواریانس Ω نامعین باشد، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته امکان پذیر یا FGLS^۱ استفاده می‌شود. برای به دست آوردن تخمینی کارا از ضرایب، ابتدا Ω با استفاده از روش OLS اجزاء اخلاص e_i برآورد می‌شود، سپس مقدار واریانس جزء پسماند به صورت $\delta_{ij} = e_i e_j'$ به دست می‌آید، بنابراین برای برآورد Ω از δ_{ij} به جای σ_{ij} استفاده می‌شود. سپس مشترکاً با استفاده از تخمین زن GLS ضرایب به صورت رابطه ۵ خواهد بود:

$$\hat{\beta}_{FGLS} = (x' \hat{\Omega}^{-1} x)^{-1} x' \hat{\Omega}^{-1} y \quad (۵)$$

۵. برآورد مدل و تحلیل نتایج

۵-۱. برآورد مدل (با در نظر گرفتن وضعیت پرداخت یارانه نقدی به عنوان متغیر مجازی و

تحلیل توصیفی نتایج)

با توجه به اینکه گروه کالایی هشتم مصرفی خانوارها (کالاها و خدمات متفرقه) دربرگیرنده دامنه وسیعی از کالاها و خدمات می‌گردد، به منظور افزایش در دقت تفسیر نتایج حاصل از تخمین‌ها، معادله هشتم که بیانگر سهم این گروه کالایی از کل مخارج خانوارها است، در برآورد سیستم معادلات فوق به کار گرفته نشده است.

پس از برآورد سیستم معادلات SUR به روش OLS، وجود همبستگی همزمان میان جملات اخلاص هفت معادله مذکور، مورد آزمون قرار گرفت. برای این منظور از آماره آزمون LM بروش-پاگان استفاده شد که مقدار این آماره در سطح یک درصد معنی‌دار و بنابراین فرضیه صفر، دال بر عدم وجود همبستگی همزمان میان جملات اخلاص این معادلات رد شد. بنابراین اجزای خطای این هفت معادله دارای همبستگی همزمان هستند و به همین منظور جهت افزایش کارایی برآوردگرها به جای روش حداقل مربعات (OLS) از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است؛ ولی نامشخص بودن ساختار ماتریس واریانس-کوواریانس پسماندها باعث گردید تا از روش حداقل مربعات تعمیم یافته عملی (FGLS) برای برآورد سیستم معادلات به ظاهر نامرتبط (SUR) بهره برده شود. جدول (۳) برآورد مدل با استفاده از روش FGLS را نشان می‌دهد.

جدول ۳. برآورد مدل SUR از طریق روش FGLS*

VARIABLES	خوراک	پوشاک و کفش	مسکن و سوخت	میلانم و لوازم	بهداشت و درمان	حمل و نقل	فرهنگ و تفریح
age	۰/۰۰۰۵۰۸*** (۵/۱۹۷)	۰/۰۰۰۶۸۴*** (۱۱/۸۲)	۴/۰۲۵-۰۰۵ (۰/۴۰۲)	۰/۰۰۰۱۰۰*** (۳/۲۶۵)	-۰/۰۰۱۰۵*** (-۱۵/۰۷)	۰/۰۰۱۷۳*** (۳۸/۱۸)	-۹/۵۱۵-۰۵*** (-۳/۸۵۴)
age2	-۳/۷۳۵-۰۶*** (-۴/۰۳۰)	-۱/۹۱۵-۰۶*** (-۳/۴۹۳)	۶/۷۳۵-۰۶*** (۷/۰۹۸)	-۱/۶۷۵-۰۶*** (-۵/۷۴۹)	۱/۳۳۵-۰۵*** (۲۰/۱۶)	-۱/۸۹۵-۰۵*** (-۴۴/۰۶)	-۷/۱۸۵-۰۷*** (-۳/۰۷۰)
gender	۰/۰۰۰۷۹۳*** (۶/۵۱۳)	-۰/۰۰۰۷۶۷*** (-۱۰/۶۶)	-۰/۰۰۰۷۶۵*** (-۶/۱۴۴)	-۰/۰۰۰۴۶۶*** (-۱۲/۲۱)	-۰/۰۰۰۲۹۱*** (-۳/۳۶۱)	۰/۰۰۱۱۶*** (۲۰/۶۸)	۰/۰۰۰۴۱۱*** (۱۳/۳۷)
num	۰/۰۰۱۰۸*** (۷۳/۶۰)	۰/۰۰۰۵۲۴*** (۶۰/۱۷)	-۰/۰۰۱۷۰*** (-۱۱۲/۷)	-۰/۰۰۰۷۶۷*** (-۱۶/۵۷)	۰/۰۰۰۲۹۱*** (۲۷/۸۶)	۰/۰۰۱۶۸*** (۲۴/۶۴)	۰/۰۰۰۴۶۲*** (۱۲/۴۴)
active	-۰/۰۰۲۳۷*** (۳۶/۳۳)	-۰/۰۰۰۷۷۷*** (۲۰/۱۴)	-۰/۰۰۲۷۲*** (-۴۰/۷۵)	۰/۰۰۰۱۸۲*** (۸/۸۸۱)	-۰/۰۰۱۱۲*** (-۲۴/۲۳)	۰/۰۰۰۲۵۴*** (۸/۴۱۵)	-۰/۰۰۰۲۲۲*** (۱۳/۵۰)
mari	۰/۰۰۰۹۷۸*** (۸/۶۰۹)	۰/۰۰۰۰۷۹۰ (۱/۱۷۵)	۰/۰۰۱۸۳*** (۱۵/۷۶)	۰/۰۰۰۳۴۳*** (۹/۶۰۲)	۰/۰۰۰۹۳۳*** (۱۱/۵۵)	-۰/۰۰۱۶۴*** (-۳/۱۲۵)	-۰/۰۰۰۵۵۳*** (-۱۹/۲۵)
sch	-۰/۰۰۰۴۵۲*** (-۷۷/۷۷)	۰/۰۰۰۰۴۰۵*** (۱۱/۷۹)	۰/۰۰۰۲۵۴*** (۴۲/۷۹)	-۰/۰۰۰۳۳۹*** (-۱۸/۵۵)	-۰/۰۰۰۶۶۳*** (-۱۶/۰۴)	۰/۰۰۰۱۸۰*** (۶۶/۷۶)	۰/۰۰۰۵۸۳*** (۳۹/۷۷)
urban	-۰/۰۰۱۱۴*** (-۲۳/۰۳)	۰/۰۰۰۹۸۶*** (۳۳/۵۶)	۰/۰۰۱۴۹*** (۲۹/۵۱)	۰/۰۰۰۸۳۶*** (۵۳/۴۳)	-۰/۰۰۰۶۵۶*** (-۱۸/۶۱)	-۰/۰۰۱۱۰*** (-۴۷/۷۹)	۰/۰۰۰۳۰۰*** (۲/۳۸۶)
t	-۰/۰۰۰۸۶۳*** (-۳۷/۵۲)	۰/۰۰۰۰۴۰۵*** (۳۲/۲۸)	۰/۰۰۱۵۶*** (۵۷/۰۶)	۰/۰۰۰۴۳۰*** (۵۱/۸۱)	۰/۰۰۰۰۴۹۱*** (۲/۸۴۴)	۰/۰۰۰۰۴۰۸*** (۳۵/۵۵)	۰/۰۰۰۳۱۱*** (۴۹/۱۵)
yara	-۰/۰۰۳۳۶*** (۳۷/۰۳)	-۰/۰۰۰۴۷۵*** (-۸/۹۱۳)	-۰/۰۰۲۷۰*** (-۲۹/۴۳)	-۰/۰۰۰۷۴۹*** (-۲/۶۳۵)	-۰/۰۰۱۳۴*** (-۲۰/۸۹)	-۰/۰۰۰۱۱۷*** (-۲/۷۹۰)	-۰/۰۰۰۲۲۱*** (-۹/۶۷۵)
py	-۰/۰۰۱۶۱*** (-۷۵/۴۴)	۰/۰۰۰۰۰*** (۷۹/۱۷)	۰/۰۰۱۶۱*** (۷۳/۹۴)	۰/۰۰۰۳۱۰*** (۴۶/۲۱)	۰/۰۰۱۲۲*** (۸۰/۴۹)	۰/۰۰۰۲۵۳*** (۲۵/۶۳)	۰/۰۰۰۴۲۵*** (۷۸/۷۰)
ps01	-۰/۰۰۰۵۰۹*** (۵۸/۳۳)						
pxp1	۰/۰۰۰۳۰۸*** (۴۷/۳۹)						
ps02		-۰/۰۰۰۱۵۱*** (-۱۷/۳۱)					
Pxp2		-۰/۰۰۰۰۱۰*** (-۷/۵۱۴)					
ps03			۰/۰۰۰۱۸۴*** (۱۰/۶۰)				
Pxp3			-۰/۰۰۰۶۵۳*** (-۷۶/۷۲)				
ps04				-۸/۲۷۵-۰۵*** (-۱۳/۹۲)			
Pxp4				-۰/۰۰۰۳۷۸*** (-۲۸/۳۲)			
ps05					۲/۵۳۵-۰۵*** (۳/۱۰۳)		
Pxp5					-۲/۳۷۵-۰۵*** (-۲/۱۵۴)		
ps06						۰/۰۰۰۱۶۹*** (۱۶/۲۲)	
Pxp6						-۰/۰۰۰۲۶۸*** (-۲۹/۵۷)	
ps07							-۰/۰۰۰۱۱۶*** (-۱۶/۷۲)
Pxp7							-۰/۰۰۰۲۳۲*** (-۲۷/۵۰)
Constant	۰/۴۴۰*** (۱۷۳/۸)	۰/۰۰۷۶۳*** (۵۰/۶۳)	۰/۲۹۴*** (۱۱۱/۲)	۰/۰۰۳۵۸*** (۴۴/۶۶)	۰/۰۰۸۱۰*** (۴۴/۸۴)	۰/۰۰۲۰۸*** (۱۶/۸۱)	۰/۰۰۱۷۰*** (۲۶/۴۰)
ObservationS	۳۴۹۷۸۶	۳۴۹۷۸۶	۳۴۹۷۸۶	۳۴۹۷۸۶	۳۴۹۷۸۶	۳۴۹۷۸۶	۳۴۹۷۸۶

منبع: نتایج تحقیق

* با در نظر گرفتن وضعیت پرداخت یارانه نقدی به عنوان متغیر مجازی (yara) در دوره ۹۳-۱۳۸۴

معنی دار در سطح ۱۰ درصد، *معنی دار در سطح ۵ درصد، ****معنی دار در سطح ۱ درصد

نتایج حاصل از برآورد در جدول (۳) نشان می‌دهد، که مهمترین و اثرگذارترین عامل در تخصیص بودجه خانوار به گروه خوراک و غذا، درآمد دائمی آنها به قیمت ثابت بوده است، به گونه‌ای که با توجه به ضروری بودن این گروه کالایی برای خانوارها، با افزایش هر یک میلیون ریال به درآمد دائمی ماهانه خانوارها طی دوره مذکور به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰، سهم این گروه کالایی از کل مخارج خانوارها ۰/۱۶۱ تقلیل یافته است. این امر بیانگر همان نکته‌ای است که به وسیله ارنست انگل و با بررسی آماری بودجه خانوارها مطرح گردید. اساس این یافته بر این اصل استوار است که کشش درآمدی تقاضای کالاهای خوراکی در بودجه خانوار به نسبت پایین است و بدین دلیل، با افزایش درآمد، مصرف کالاهای خوراکی به نسبت کمتری افزایش می‌یابد، و در نتیجه، اگرچه درآمد خانوارها افزایش می‌یابد، سهم مصرف کالاهای خوراکی در سبد آنان کاهش می‌یابد، که به معنای کاهش واقعی مصرف کالاهای خوراکی نیست، بلکه مصرف مواد غذایی همپای درآمد افزایش نمی‌یابد.

همچنین خانوارها با قرار گرفتن در وضعیت سخت اقتصادی، ترجیح می‌دهند از سهم سایر کالاهای کمتر ضروری در مخارج خود بکاهند ولی سهم کالاهای خوراکی حتی الامکان بدون تغییر باقی بماند. همچنین نتایج برآورد اول نشان می‌دهد با تغییر وضعیت از عدم اجرا به اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، سهم این گروه از کل مخارج خانوار که بیانگر شاخص معتبر انگل است، با افزایش مواجه شده است که نشان‌دهنده تمرکز بیشتر مخارج خانوار بر روی نیازهای اولیه و ضروری-شان است، با افزایش شاخص قیمت در این گروه کالایی نیز، خانوارها برای دستیابی به سطح مصرف قبلی این گروه کالایی ضروری، مجبور شده‌اند سهم بیشتری از مخارج خود را به آن اختصاص دهند و افزایش شاخص وزنی قیمت سایر گروه‌های کالایی نیز خانوارهای ناامید از دستیابی به سایر گروه‌های کالایی را مجاب نموده است تا سهم مخارج کمتر ضروری و لوکس از کل مخارج‌شان را به نفع ضروری‌ترین گروه کالایی موجود در سبد مصرفی‌شان کم کنند.

در مورد گروه کالایی مسکن، آب و سوخت نیز مشاهده می‌شود که با افزایش درآمد دائمی خانوارها، آنان سهم این گروه کالایی را از سبد مصرفی خود افزایش داده‌اند، و افزایش شاخص قیمت این گروه کالایی نیز باعث شده است که به دلیل واقع شدن مسکن در این گروه کالایی که یکی از کالاهای ضروری خانوار به حساب می‌آید (به دلیل آنکه مخارج صورت گرفته در این بخش، دربرگیرنده سرمایه‌گذاری در مسکن و ساختمان و خرید و فروش آن نمی‌شود و صرفاً منعکس کننده مخارج اجاره مسکن است)، خانوارها سهم بیشتری از مخارج خود را به آن اختصاص دهند. همچنین افزایش شاخص قیمت سایر گروه‌های کالایی نیز باعث شده است که خانوارها سهم این گروه کالا را از سبد مصرفی‌شان کاهش و در عوض، سهم کالای ضروری‌تر یعنی خوراک را در مخارج خود افزایش دهند.

نکته قابل ملاحظه درباره این گروه کالایی، آن است که با افزایش بعد خانوار، سهم این گروه کالایی از مخارج خانوار تقلیل یافته است که علت اصلی آن احتمالاً می‌تواند به دلیل وجود صرفه‌های ناشی از مصرف جمعی در مورد این گروه کالایی که برای خانوار، کالایی عمومی محسوب می‌شود، باشد.

در گروه کالایی مبلمان و لوازم منزل نیز که می‌تواند نقش کالایی تقریباً لوکس در سبد خانوارها را ایفا نماید، مشاهده می‌شود که با افزایش درآمد دائمی خانوارها، آنان سهم این گروه کالایی را از کل مخارج‌شان افزایش داده‌اند و به دنبال اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها، نقش این گروه کالایی در ترکیب مصرفی خانوارها، کم رنگ‌تر شده است. همچنین افزایش شاخص قیمت این گروه کالایی و نیز افزایش شاخص قیمت سایر گروه‌های کالایی، نیز باعث کاهش سهم این گروه کالایی از کل مخارج خانوارها گردیده است.

در مورد گروه کالایی بهداشت و درمان نیز مشاهده می‌شود که افزایش در درآمد دائمی خانوارها، سهم این گروه را از سبد مصرفی خانوارها افزایش داده، همچنین با تغییر وضعیت از عدم اجرا به اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها و کاهش سهم این گروه کالایی از کل مخارج خانوار، می‌توان بیان نمود پس از هدفمندسازی یارانه‌ها، سلامت خانوارها بیش از پیش به مخاطره افتاده است. افزایش شاخص قیمت این گروه کالایی، با توجه به ضروری بودن بخش درمان این گروه کالایی برای خانوارها، باعث گرده است تا خانوارها مجبور شوند سهم بیشتری از ترکیب مصرفی‌شان را صرف این گروه کالایی نمایند. همچنین با افزایش شاخص قیمت سایر گروه‌های کالایی، خانوارها سهم این گروه کالایی را در سبد هزینه‌ای خود کم کرده‌اند.

۲-۵. برآورد مدل (با در نظر گرفتن میزان واقعی یارانه نقدی دریافتی ماهیانه خانوار و تحلیل توصیفی نتایج)

در برآورد دوم، به جای متغیر مجازی وضعیت اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، جهت قابل اطمینان بودن نتایج مطالعه، از متغیر متوسط یارانه نقدی دریافتی واقعی ماهانه خانوار به جای متغیر مجازی یارانه استفاده شده است.

در برآورد صورت گرفته فرضیه صفر، دال بر عدم وجود همبستگی همزمان میان جملات اخلاص، این معادلات رد شد؛ بنابراین سیستم معادلات به ظاهر نامرتبط از روش حداقل مربعات تعمیم یافته امکان‌پذیر (FGLS) برآورد گردید. نتایج حاصل از برآورد مدل در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۴. برآورد مدل SUR از طریق روش FGLS

VARIABLES	خوراک	پوشاک و کفش	مسکن و سوخت	مبلمان و لوازم	بهداشت و درمان	حمل و نقل	فرهنگ و تفریح
Age	۰/۰۰۰۸۴۹*** (۶/۲۳)	۰/۰۰۱۰۴*** (-۱۲/۴۶)	۰/۰۰۰۳۹۷*** (۲/۷۴۸)	۲/۳۱۰۰۵ (۰/۸۰۶)	-۰/۰۰۰۶۵۳*** (-۷/۰۱۶)	۰/۰۰۱۹۴*** (۳۰/۳۸)	-۸/۰۶۰۰۵** (-۲/۳۴۰)
age2	-۵/۷۲۰۰۶*** (-۴/۳۴۶)	-۵/۱۹۰۰۶*** (-۶/۴۴۸)	۸/۶۰۰۰۶*** (۶/۳۷۳)	-۶/۸۴۰۰۷* (-۱/۸۴۱)	۱/۰۱۰۰۵*** (۱۱/۶۱)	-۲/۰۷۰۰۵*** (-۳۴/۷۴)	-۶/۸۷۰۰۷** (-۲/۱۳۶)
gender	۰/۰۰۳۸۷** (۲/۱۹۵)	-۰/۰۰۶۱۵*** (-۵/۸۸۲)	-۰/۰۰۵۷۰*** (-۳/۱۵۵)	-۰/۰۰۳۸۰*** (-۷/۶۳۷)	-۰/۰۰۴۶۶*** (-۴/۰۰۶)	۰/۰۰۱۲۶*** (۱۵/۷۵)	۰/۰۰۳۸۷*** (۸/۹۸۱)
num	۰/۰۰۱۳۸*** (۵۲/۱۶)	۰/۰۰۴۶۷*** (۲۹/۶۳)	-۰/۰۰۱۷۱*** (-۶۲/۸۴)	۰/۰۰۰۲۵۶*** (۳/۴۰۶)	-۰/۰۰۴۱۵*** (-۲۳/۷۰)	۰/۰۰۱۷۰*** (۱۴/۱۵)	۰/۰۰۰۱۹۰*** (۲/۹۰۸)
active	۰/۰۰۲۰۶*** (۲۲/۱۰)	۰/۰۰۷۴۴*** (۱۳/۴۴)	-۰/۰۰۲۵۱*** (-۲۶/۲۱)	۰/۰۰۰۷۹۳*** (۳/۰۰۷)	-۰/۰۰۹۵۳*** (-۱۵/۴۵)	۰/۰۰۳۷۴*** (۸/۸۴۵)	۰/۰۰۱۸۶*** (۸/۱۶۰)
mari	۰/۰۰۱۰۳*** (۶/۱۴۵)	-۰/۰۰۰۲۹۶ (-۰/۲۹۸)	۰/۰۰۱۸۵*** (۱۰/۷۶)	۰/۰۰۰۲۸۳*** (۵/۹۵۹)	۰/۰۰۹۴۹*** (۸/۵۶۴)	-۰/۰۰۰۳۷۰ (-۰/۴۸۷)	-۰/۰۰۰۶۱۲*** (-۱۴/۹۳)
sch	-۰/۰۰۰۴۱۵*** (-۵۱/۱۷)	۰/۰۰۰۱۵۴*** (۳/۲۰۷)	۰/۰۰۰۲۲۹*** (۲۷/۵۷)	-۰/۰۰۰۲۲۱*** (-۹/۶۴۳)	-۰/۰۰۰۲۹۲*** (-۵/۴۵۸)	۰/۰۰۱۵۳*** (۴۱/۷۸)	۰/۰۰۰۴۵۹*** (۲۳/۱۶)
urban	-۰/۰۰۱۰۵*** (-۱۴۶/۷)	۰/۰۰۰۸۷۳*** (۲۰/۱۷)	۰/۰۰۱۳۹*** (۱۷۶/۴)	۰/۰۰۰۴۵۸*** (۲۱/۸۲)	-۰/۰۰۰۵۵۵*** (-۱۱/۵۵)	-۰/۰۰۱۰۴*** (-۳۱/۳۷)	۰/۰۰۰۳۵۶*** (۱۹/۶۲)
t	-۰/۰۰۰۴۴۳*** (-۳/۷۳۱)	۰/۰۰۰۱۱۲ (۰/۷۳۰)	۰/۰۰۰۲۷۰*** (۱۳/۹۳)	۰/۰۰۰۵۳۸*** (۱۱/۵۱)	۰/۰۰۰۱۰۳*** (۷/۳۷۱)	۰/۰۰۴۸۶*** (۳۷/۳۸)	۰/۰۰۱۹۷*** (۱۶/۱۵)
psubs	۰/۰۰۱۶۶*** (۴/۵۹۴)	۰/۰۰۱۳۰*** (۶/۱۵)	-۰/۰۰۵۲۲*** (-۱۳/۹۹)	۰/۰۰۴۲۰*** (۴/۰۹۰)	۰/۰۰۳۳۲ (۱/۳۸۲)	۰/۰۰۴۹۳*** (۲/۹۹۰)	۰/۰۰۰۹۶۰ (۱/۰۸۱)
py	-۰/۰۰۲۱۸*** (-۵۱/۷۴)	-۰/۰۰۱۶۷*** (۶۶/۹۶)	۰/۰۰۰۲۰۱*** (۴۶/۴۹)	۰/۰۰۰۴۰۵*** (۳۳/۹۵)	-۰/۰۰۱۳۳*** (۴۸/۲۱)	۰/۰۰۲۱۷*** (۱۱/۳۷)	۰/۰۰۰۶۳۱*** (۶۱/۱۷)
ps01	۰/۰۰۰۸۵۷*** (۳۴/۱۸)						
pxp1	۰/۰۰۰۸۳۶*** (۱۰۲/۳)						
ps02		-۰/۰۰۰۳۰۰*** (-۱۰/۱۲)					
Pxp2		-۰/۰۰۰۴۵۶*** (-۲۸/۷۹)					
ps03			۰/۰۰۰۲۶۴*** (۲/۹۴۳)				
Pxp3			-۰/۰۰۰۱۰۲*** (-۷۰/۷۳)				
ps04				-۰/۰۰۰۱۳۶*** (-۱۳/۸۰)			
Pxp4				-۰/۰۰۰۳۸۳*** (-۳۵/۱۳۳)			
ps05					۰/۰۰۰۱۰۴*** (۳/۷۹۴)		
Pxp5					-۰/۰۰۰۱۱۳*** (-۶/۸۵۹)		
ps06						۰/۰۰۱۲۵*** (۳۱/۷۵)	
Pxp6						-۰/۰۰۰۲۶۸*** (-۲۰/۷۷)	
ps07							-۰/۰۰۰۷۸۸*** (-۲۶/۰۱)
Pxp7							-۰/۰۰۰۴۲۸*** (-۴۶/۴۸)
Constant	۰/۰۰۴۳۹*** (۷۴/۰۳)	۰/۰۰۶۹۹*** (۱۰/۱۵)	۰/۰۰۲۶۹*** (۴۹/۵۱)	۰/۰۰۳۴۳*** (۱۵/۸۵)	۰/۰۰۲۵۰*** (۴/۳۲۵)	۰/۰۰۱۷۱*** (۴۱/۱۴)	-۰/۰۰۷۳۰*** (-۱۵/۴۴)
Observations	۱۵۱۱۹۲	۱۵۱۱۹۲	۱۵۱۱۹۲	۱۵۱۱۹۲	۱۵۱۱۹۲	۱۵۱۱۹۲	۱۵۱۱۹۲

ماخذ: نتایج تحقیق

+ با در نظر گرفتن میزان یارانه نقدی دریافتی خانوار در دوره ۹۳-۱۳۹۰

معنی‌دار در سطح ۱۰ درصد، *معنی‌دار در سطح ۵ درصد، *معنی‌دار در سطح ۱ درصد

Psubs ارزش واقعی یارانه نقدی دریافتی هر خانوار در ماه‌های دوره ۹۳-۱۳۹۰

نتایج حاصل از این تخمین نشان می‌دهد:

اولاً: با افزایش هریک میلیون ریال به ارزش واقعی یارانه نقدی دریافتی خانوارها:

- سهم گروه خوراک و غذا از سبد هزینه‌ای خانوارها ۰/۱۶۷ افزایش یافته است. از آنجا که سهم این گروه کالایی در سبد خانوارها افزایش و درصد واقعی مصرف این گروه کاهش یافته است، لذا افزایش قیمت در این گروه کالایی بیش از درآمد جبران شده می‌باشد، که این امر بیانگر کاهش قدرت خرید خانوارها در دهک‌های پایین درآمدی است؛ اما از آنجا که سهم این گروه کالایی در سبد هزینه‌ای دهک‌های بالای درآمدی کمتر است، بنابراین رفاه از دست رفته آنان کمتر کاهش یافته است.
- سهم گروه پوشاک و کفش از سبد هزینه‌ای خانوار ۰/۱۳۰ افزایش یافته است. با توجه به اینکه مخارج بر روی گروه کالایی پوشاک جزء گروه کالایی ضروری می‌باشد، و همچنین مقادیر واقعی کاهش پیدا کرده است، بنابراین اصلاح یارانه‌ها باعث کاهش بیشتر رفاه خانوارها در دهک‌های پایین درآمدی نسبت به دهک‌های بالا شده است.
- سهم گروه مسکن، آب و سوخت از سبد هزینه‌ای خانوار ۰/۵۲۲ کاهش یافته^۱، اما از آنجا که مصرف واقعی افزایش یافته است، بنابراین سیاست هدفمندسازی نتوانسته باعث کاهش مصرف این گروه کالایی گردد.

- سهم گروه مبلمان و لوازم منزل از سبد هزینه‌ای خانوار ۰/۰۴۲۰ افزایش یافته است.
- سهم گروه حمل و نقل و ارتباطات از سبد هزینه‌ای خانوار ۰/۰۴۹۳ افزایش یافته است.

ثانیاً: رابطه معنی‌داری میان سهم گروه فرهنگ و تفریح^۲ و سهم بهداشت و درمان^۳ از سبد هزینه‌ای خانوار با میزان واقعی یارانه نقدی دریافتی خانوار وجود ندارد. از آنجا که یارانه اثر ناچیزی بر گروه مبلمان و حمل‌ونقل دارد، بنابراین آنچه برای سیاستگذار دارای اهمیت است، نوع الگوی

۱. علت این امر می‌تواند آن باشد که بخش عمده یارانه نقدی پرداختی به خانوارها از محل افزایش قیمت آب، روشنایی و سوخت مصرفی خانوارها در محل سکونت آنها بوده و این افزایش قیمت تا حدودی سبب صرفه‌جویی و اصلاح رفتار مصرفی خانوارها در مورد این گروه کالایی و کاهش سهم آن از سبد هزینه‌ای خانوارها شده است.
۲. آنچه در مورد سهم این گروه کالایی از کل مخارج خانوارها تعیین کننده است، همان‌گونه که نتایج تخمین در جدول (۴) نشان می‌دهد، درآمد دائمی خانوارها است درحالی‌که یارانه نقدی پرداخت شده به خانوارها در اثر هدفمندسازی یارانه‌ها برای آنان جنبه درآمد موقتی دارد و به همین علت، رابطه‌ای معنادار میان سهم گروه فرهنگ و تفریحات از کل مخارج خانوار با میزان یارانه نقدی دریافتی خانوار مشاهده نمی‌شود.
۳. علت این رخداد می‌تواند کارکرد دوگانه این گروه کالایی باشد. این گروه کالایی از دو بخش بهداشت و درمان تشکیل می‌شود که در عین مکمل بودن، از منظر لوکس بودن کاملاً متفاوتند. هرچند خانوارها با افزایش یارانه نقدی ناشی از هدفمندسازی یارانه‌ها ممکن است سهم بیشتری از مخارج خود را به مخارج بهداشتی که از کالاهای لوکس آنها به شمار می‌رود، اختصاص دهند؛ ولی به علت ضروری بودن مخارج درمان برای خانوارها نمی‌توان رابطه‌ای معنادار میان میزان یارانه نقدی دریافت شده توسط خانوارها با سهم درمان از کل مخارج خانوارها در نظر گرفت.

مصرف در دو گروه خوراک و مسکن می‌باشد چراکه دهک‌های پایین درآمدی دارای کاهش رفاه بیشتری نسبت به دهک‌های بالای درآمدی هستند و این مخالف با هدف هدفمندسازی یارانه‌ها است. به طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که حتی با افزایش ارزش واقعی یارانه نقدی دریافتی توسط خانوارها، آنها سهم گروه مسکن و سوخت که مشمول آزادسازی قیمت سوخت واقع می‌شود را از سبد مصرفی خود کاهش و برای باقی ماندن در وضعیت حداقلی معاش، سهم گروه خوراک و گروه پوشاک را افزایش داده‌اند. بنابراین، تحلیل‌های اقتصادی نشان می‌دهد که پرداخت یارانه‌ها و تورم افزایش یافته ناشی از آن باعث کاهش رفاه کل جامعه و کاهش بیشتر در دهک‌های پایین درآمدی شده است. به عبارت دیگر، پرداخت نقدی یارانه‌ها، سطح توقع اعضای خانوارها را بالا برده و جامعه با فشار تقاضا مواجه بوده است؛ درحالی‌که افزایش درآمد ناشی از یارانه‌های نقدی، با تورم ناشی از آن از بین رفته و توهم پولی حاکم گردیده است، لذا افزایش رفاه خانوارها به واسطه پرداخت‌های نقدی ثابت (از لحاظ اسمی) که در طول دوره‌های مختلف همواره ارزش واقعی آن کاهش یافته است، نمی‌تواند قابل دسترسی باشد؛ درحالی‌که افزایش تولید و اشتغال یکی از عوامل اصلی برای بهبود درآمدی حقیقی و افزایش رفاه خانوارها است.

۶. نتیجه‌گیری

یکی از مشکلات اصلی برای اقتصاد کشور در سال‌های اخیر، برخورداری ناعادلانه دهک‌های مختلف درآمدی از یارانه اعطا شده دولت بوده است، لذا دولت از سال ۱۳۸۹ قانون هدفمندسازی یارانه‌ها را اجرایی نمود و برای جبران رفاه از دست رفته خانوار ناشی از اجرای این قانون، به هر نفر، فارغ از سطح درآمد و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی، ماهانه ۴۵۵ هزار ریال یارانه نقدی پرداخت نمود. باور سیاستگذاران این بود که اجرای این طرح، از یک طرف، مصرف حامل‌های انرژی را کاهش می‌دهد و از طرف دیگر، با افزایش سهم خانوارهای فقیر از یارانه‌ها، رفاه متوسط خانوارها افزایش می‌یابد؛ به طوری که سبد مصرفی خانوارها نسبت به قبل دارای کیفیت بالاتری خواهد شد، و از آنجا که در این مطالعه، هدف اصلی، بررسی تحولات رخ داده در وضعیت رفاهی و معیشتی خانوارها با توجه به تغییرات صورت گرفته در ترکیبات هزینه‌ای آنها در اثر اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها با اتکا به نظریه انگل و با استفاده از داده‌های موجود در سطح خرد خانوار در بازه زمانی سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ بود، مخارج مصرفی خانوار به هفت گروه عمده تفکیک گردید.

نتایج حاصل از برآوردهای این مطالعه نشان می‌دهد که اولاً، پس از هدفمندسازی یارانه‌ها سهم مخارج ضروری خانوارها از سبد مصرفی‌شان بیشتر شده است و خانوارها بیشتر بر روی برآورده نمودن نیازهای ابتدایی و ضروری خود تمرکز نموده‌اند و سهم مخارج کمتر ضروری و لوکس را از کل مخارج

خود کاهش داده‌اند که این امر می‌تواند بیانگر تنزل وضعیت رفاهی خانوارها به صورت مطلق پس از اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها باشد و ثانیاً، مؤثرترین عامل در میان عوامل گوناگون بررسی شده بر روی رفتار خانوارها در تخصیص بودجه میان گروه‌های کالایی گوناگون، عامل درآمد دائمی است، لذا سیاستگذاران به جای افزایش یارانه نقدی پرداختی به خانوارها از طریق سیاست‌های تورم‌زا که، هم درآمد دائمی واقعی خانوارها و هم، میزان واقعی یارانه نقدی دریافت شده را تقلیل می‌دهد، باید از طریق افزایش قدرت خرید خانوارها، درآمد دائمی واقعی آنان را افزایش دهند تا کیفیت سبب مصرفی خانوارها از لحاظ رفاهی بهبود یابد.

منابع و مأخذ

- اسلامی، محمدرضا؛ باغستانی، علی‌اکبر و شرافتمند، حبیبه (۱۳۹۰). بررسی تأثیر هدفمندسازی یارانه‌ها بر مصرف گوشت؛ همایش منطقه‌ای جهاد اقتصادی: رهیافت‌ها و راهبردها.
- اعظمی، حسین؛ جمالی‌پور، محسن؛ بابانیا، سپیده و قربانی، محمد (۱۳۹۲). اثر هدفمندسازی یارانه‌ها بر مصرف لبنیات در سطح خانوارها (مطالعه موردی: شهر مشهد)؛ نهمین کنفرانس دوسالانه اقتصاد کشاورزی ایران.
- بیکی، سحر؛ سامتی، مرتضی و شریفی رنانی، حسین (۱۳۹۲). اثر هدفمندی یارانه‌ها بر فقر و بیکاری: (فاز اول هدفمندی یارانه‌ها)؛ اولین همایش الکترونیکی ملی چشم انداز اقتصاد ایران.
- پرمه، زورار (۱۳۸۴). بررسی یارانه انرژی و آثار افزایش قیمت حامل‌های انرژی بر سطوح قیمت‌ها در ایران؛ فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۴: ۱۴۷-۱۱۷.
- تشکینی، احمد و عباسی نژاد، حسین (۱۳۹۲). اقتصادسنجی کاربردی (پیشرفته)؛ انتشارات نور علم، چاپ دوم.
- جبل عاملی، فرخنده و گودرزی فراهانی، یزدان (۱۳۹۴). تأثیر اصلاح یارانه بر مصرف حامل انرژی در ایران: مطالعه موردی مصرف بنزین، نفت و گازوئیل؛ فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۸۱.
- خرمی مقدم، سیمین؛ زارع، محمدرضا؛ مهربانی، حسین و بخشوده، محمد (۱۳۹۱). تحلیل الگوی مصرفی کالاهای مشمول یارانه: کاربرد سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل درجه ۲؛ فصلنامه اقتصاد کشاورزی، دوره ۶، شماره ۴: ۷۲-۵۵.
- دادگر، یداله و نظری، روح اله (۱۳۹۰). تحلیل رفاهی سیاست‌های یارانه‌ها در اقتصاد ایران؛ فصلنامه رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۲، ۳۸۰-۳۳۷.
- رضایی قهرودی، زهرا و باغ‌فلکی، تابان (۱۳۹۲). بررسی تأثیر هدفمندکردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها، پژوهشکده آمار مرکز آمار ایران.
- زمان زاده، حمید (۱۳۹۰). هدفمندی یارانه‌ها: دستاوردها، هزینه‌ها و چالش‌ها؛ فصلنامه تازه‌های اقتصاد، سال نهم، شماره ۱۳۳: ۱۱۶-۱۰۸.
- سوری، داود (۱۳۹۲). توزیع جغرافیایی فقر: ابزاری برای هدفمندسازی یارانه‌ها؛ فصلنامه تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۹: ۱۱۰-۱۰۶.
- سوری، علی (۱۳۹۲). اقتصاد سنجی (جلد دوم)؛ نشر فرهنگ شناسی، چاپ دوم.
- غروی نخجوانی، احمد (۱۳۸۳). فقر در خانوارهای ایرانی (با نگاهی به نتایج طرح هزینه درآمد خانوار در ایران)؛ فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷: ۹۱-۱۱۸.
- مرکز آمار ایران، نتایج طرح آمارگیری از ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی خانوار، سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳.

- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۳). بررسی آثار پرداخت یارانه نقدی و حذف یارانه سه دهک خانوارها بر تولید و توزیع درآمد نهادی؛ اردیبهشت ماه.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۳). ضرورت بازنگری و اصلاح قانون هدفمند کردن یارانه‌ها؛ اردیبهشت ماه. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۸۴). امکان سنجی شناسایی خانوارهای نیازمند از خانوارهای بی‌نیاز در ایران در راستای هدفمند نمودن یارانه‌ها؛ انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی: ۸۷-۱۰.
- نیلی، مسعود (۱۳۸۹). ارزیابی پیامدهای اصلاح نظام یارانه انرژی (با تأکید بر صنعت، خانوار، بودجه عمومی دولت و اقتصاد کلان)؛ انتشارات اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران، مردادماه: ۲۸۳-۱۹۱.
- Ahmdian, M.; Mona Chitnis, & Lester C. Hunt (2007). Gasoline Demand, Pricing Policy and Social Welfare in the Islamic Republic of Iran, OPEC Review, June.
- Arze Del Granado, J.; Coady, D., & Gillingham, R. (2012). The Unequal Benefits of Fuel Subsidies: Are View of Evidence for Developing Countries, *World Dev.* 40: 2234-48.
- Bacon, Robert; Ley, Eduardo & Masami Kojima (2010). Subsidies in the Energy Sector: Measurement, Impact, and Design, Background Paper for the Energy Strategy, Washington, DC: World Bank.
- Farajzadeh, Z. and Bakhshoodeh, M. (2015). Economic and Environmental Analyses of Iranian Energy Subsidy Reform using Computable General Equilibrium (CGE) Model. *Energy for Sustainable Development*, Vol. 27: 147-154.
- Gharibnavaz, M.R. & Waschik, R. (2015). Food and Energy Subsidy Reforms in Iran: A General Equilibrium Analysis. *Journal of Policy Modeling*, Vol. 37: 726-741.
- Korayem, K. (2013). Food Subsidy and the Social Assistance Program in Egypt; Targeting and Efficiency Assessment. *Topics in Middle Eastern and North African Economies*, 15.
- Massel, Benton F. (1967). Consistent Estimation of Expenditure Elasticities from Cross-Section Data on Households Producing Partly for Subsistence; England: food Research Institute, Stanford University.
- Morgan, T. (2007). Energy Subsidies: Their Magnitude, How They Affect Energy Investment and Greenhouse Gas Emissions and Prospects for Reforms; Report for UNFCCC Secretariat Financial and Technical Support Program, Bonn.
- Moshiri, S. (2015). The Effects of the Energy Price Reform on Households Consumption in Iran; *Energy Policy*, 79: 177-188.
- Moshiri, S.; Atabi, A.; Panjeshahi, H., & Lechtenböhmer, S. (2012). Longrun energy Demand in Iran; *Int.J.EnergySect.Manag.* 6(1): 120-144.
- Narayanan, S. (2011). A Case for Reframing the Cash Transfer Debate in India; *Economic and Political Weekly*, 46 (21).

-
- Saboohi, Y. (2001). An Evaluation of the Impact of Reducing Energy Subsidies on Living Expenses of Households; *Energy policy*, Vol. 29: 245-252.
- Salehi-Isfahani, J. and Majbouri, M. (2013). Mobility and the Dynamics of Poverty in Iran: Evidence from the 1992-1995 Panel Survey; *The Quarterly Review of Economics and Finance*, Vol. 53, 3, 257-267.
- Tabor, S. R. (2002). Assisting the Poor with Cash: Design and Implementation of Social Transfer Programs; Social Protection Discussion Paper Series, World Bank.
- Tarsicio, Castaneda, and Kathy Lindert (2006). Designing and Implementing Household Targeting Systems: Lessons from Latin American and The United States; Third International Conference on Conditional Cash Transfers, Istanbul, Turkey, June 26-30.
- United Nations Environment Program, Reforming Energy Subsidies, Opportunities to Contribute to the Climate Change Agenda; Division of Technology, Industry and Economics, 2008.